



انترناسیونال ۱۳۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۱۲ مه ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

بیانیه جبهه سوم در برابر میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی

صفحه ۵

اطلاعیه تشکیل جبهه سوم در برابر دو قطب تروریستی

صفحه ۵



جبهه سوم در برابر میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی گفتگو با حمید تقوایی

است. ضرورت تشکیل جبهه سوم
مقابله عملی و موثر با این وضعیت
از موضع بشریت متمکن است. حزب
ما همواره نیروی پیشرو و پرچمدار
نقد نظری و عملی شرایط سیاسی
اقتصادی اجتماعی بوده است که

صفحه ۲

قطب تروریسم دولتی آمریکا و
متحدینش و تروریسم اسلامی حول
مسئله اتمی شدن جمهوری اسلامی
به مرحله حادی رسیده است و جهان
را در آستانه يك جنگ و فاجعه
انسانی و سیاسی دیگری قرار داده

دیروز و امروز نیستند. ضرورت و
عاجل بودن اعلام جبهه سوم در
شرایط امروز چیست؟
حمید تقوایی: فکر میکنم علت
تشکیل این جبهه در شرایط حاضر
روشن باشد. امروز تقابل میان دو

مقدمه اطلاعیه تشکیل جبهه سوم
 مطرح شده است که این جبهه در
برابر دو قطب تروریستی میلیتاریسم
دولتی آمریکا و اسلام سیاسی است.
اما نه میلیتاریسم آمریکا و نه
اسلام سیاسی هیچکدام پدیده های

محسن ابراهیمی: حزب کمونیست
کارگری تشکیل جبهه سوم در برابر
دو قطب تروریستی میلیتاریسم
دولتی آمریکا و اسلام سیاسی را
اعلام کرده است. (بیانیه جبهه سوم
در همین شماره چاپ شده است). در



پیامدهای بحران خاورمیانه جنگ تروریستها و صفتبندیهای جدید

(۱)

پیردازد. همچنانکه کسی که فقط از
سر خطر تروریسم اسلامی و
سلاحهای هسته ای رژیم اسلامی
این بحران را توضیح میدهد ناچار به

صفحه ۶

احزاب چپ و مترقی برخلاف
جریانات پرو آمریکایی و پرو اسلام
سیاسی، باید در مقابل هر دوی
اینها بایستند.

تحلیل جوانب مختلف این
بحران و علل وجودی آن عملاً
جایگاه و راه حل احزاب و جریانات

سیاسی را هم نشان میدهد. کسی
که صرفاً از سر میلیتاریسم و قلدردی
آمریکا این بحران را توضیح میدهد
ناچار است به دفاع مستقیم و غیر
مستقیم از جمهوری اسلامی

نیروها و احزاب سیاسی هم اکنون به
سه دسته تقسیم شده اند. برخی از
نیروها در جبهه آمریکا هستند،
برخی از اسلام سیاسی و حکومت
اسلامی دفاع میکنند و طبعاً

مهم میشوند. در این کشمکش
نیروهای سیاسی در کنار یکی یا در
مقابل هر دو قرار میگیرند. این
روند از هم اکنون شروع شده است. با
یک نگاه سریع میتوان دید که

کشمکش دولتهای آمریکا و
جمهوری اسلامی به نقطه جوش
نزدیک میشود. با شروع تبلیغات
جنگی میان این دو، دولتها و احزاب
سیاسی وارد يك صف بندی سیاسی

اطلاعیه برگزاری
جلسه کمیته آلمان

صفحه ۸

گزارشهایی از اعتراضات
کارگران

صفحه ۸

اعتصاب در گشت و
صنعت کارون

صفحه ۸

سخنرانی مینا احدی
در دانشگاه تریر در آلمان

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ گفتگو با حمید تقوایی

بعد از پایان جنگ سرد، سرمایه داری افسار گسیخته بازار آزاد، آنچه نظم نوین جهانی نامیده میشود، بردنیا حاکم کرد. منصور حکمت در "طلوع خونین نظم نوین جهانی" در آستانه جنگ اول خلیج (فوریه ۱۹۹۱) مبنای این نقد رادیکال و انسانی را مطرح کرد و سپس در نوشته های متعددی نیروهای "سناریوی سیاه"، نیروهای قومی - ملی - مذهبی مافوق ارتجاعی که مستقیم و یا غیر مستقیم محصول نظم نوین سرمایه هستند را عمیقاً نقد و افشا نمود و در برابر این وضعیت آلترناتیو تمدن و انسانیت و سوسیالیسم را قرار داد. پس از ۱۱ سپتامبر، وقتی این نیروهای ارتجاعی در کمپ سرمایه مشخصاً در قالب دو قطب تروریستی اسلام سیاسی و میلیتاریسم دولت آمریکا در برابر یکدیگر قرار گرفتند، منصور حکمت در نوشته درخشان دنیا پس از ۱۱ سپتامبر اعلام کرد که مردم دنیا، بشریت متمن در این کشمکش نمایندگی نمیشود و مردم جهان را فراخواند که در مقابل هر دو قطب تروریستی بایستند و اجازه ندهند سرنوشت دنیا بوسیله این قطبهای تروریستی تعیین شود. این فراخوان، امروز بیش از هر زمان دیگر به امری عاجل و مبرم و ضروری تبدیل شده است و تشکیل جبهه سوم پاسخ مشخص ما به این ضرورت است.

محسن ابراهیمی: حزب کمونیست کارگری تا کنون کمپینهای سیاسی متنوعی را سازمان داده است. از جمله کمپین علیه اعدام و سنگسار، کمپین حمایت از مبارزات کارگران ایران و... آیا جبهه سوم کمپین دیگری است؟ اعلام کمپین علیه جنگ تروریستها است؟ آیا جبهه سوم میخواهد صرفاً به عنوان یک نیروی اعتراضی و نیروی فشار جهانی علیه میلیتاریسم آمریکا و اسلام اسلامی عمل کند یا اهداف سیاسی مشخصی را دنبال میکند؟

حمید تقوایی: جبهه سوم یک کمپین حزبی نیست، راه حل پیشنهادی ما به مردم جهان برای پاسخگویی به توحش تروریستی ایست که دنیا را فرا گرفته است. این فراخوان ما به عنوان نماینده مردم و جنبش انقلابی

و مسائل طرح شده حول کشمکش اخیر در یک سطح گسترده است.

ما با اعلام این جبهه در واقع میخواهیم بر متن بحران اخیر به یک جنبش تعرضی و انسانی و رادیکال برای دخالتگری و تاثیر گذاری بر وضعیت موجود به نفع مردم دنیا شکل بدهیم. و یک جنبه مهم این تلاش طرد جمهوری اسلامی در افکار عمومی و از جامعه جهانی و بسیج نیروی مردم دنیا در حمایت از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

محسن ابراهیمی: در همان مقدمه گفته شده است که "جبهه سوم مبارزات مردم ایران علیه تهدیدات و دخالتگری نظامی و سیاسی آمریکا و جنبش انقلابی آنان برای سرنگونی جمهوری اسلامی را یک آلترناتیو و شیوه عملی، موثر و تعیین کننده مقابله با جنگ تروریستها میداند." لطفاً در مورد این آلترناتیو بیشتر توضیح دهید. مبارزات مردم ایران چگونه میتوانند با جنگ تروریستها مقابله کنند؟

حمید تقوایی: به نظر من در این بحران نیز مانند هر بحران سیاسی دیگر حرکت جامعه و مردمی که مستقیماً در معرض و کانون کشمکش قرار گرفته اند بسیار تعیین کننده است. معمولاً دولتها و نیروهای ارتجاعی به نام مردم سیاستها و اهداف ارتجاعی خود را به پیش میبرند و اگر به نحو برجسته و غیر قابل انکاری روشن شود که خواست و پاسخ مردم به مسائل مورد بحث از آنچه به آنها نسبت میدهند متفاوت و در واقع متناقض است در افکار عمومی جهانی از مشروعیت و حقانیت نیروهای ارتجاعی چیزی باقی نماند و زمینه برای پیشروی مردم فراهم میشود. در کشمکش اخیر نیز طرفین پیشبرد اهداف خود را در یک لایه تبلیغاتی دفاع از خواستهای مردم ایران پوشانده اند. بنابراین روشن کردن اینکه در این میان مردم ایران واقعا چه میگویند و چه میخواهند و بخصوص معرفی و شناساندن جنبش سرنگونی طلبانه مردم در ایران میتواند تاثیر تعیین کننده ای در شکل دادن به افکار عمومی مردم جهان و مقابله آنها با جنگ و این کشمکش تروریستی

داشته باشد. مخالفت مردم ایران با جنگ و دخالت نظامی آمریکا و همچنین مخالفتشان با پروژه اتمی جمهوری اسلامی و فراتر از آن با نفس موجودیت این حکومت میتواند منشا شکل گیری و جذب نیرو در سراسر جهان حول شعار نه به اسلام سیاسی و نه به تروریسم دولتی باشد. وقتی جامعه ای که در معرض جنگ و تحریم اقتصادی قرار گرفته اعلام کند نه طرفدار دولت خودی است و نه طرفدار تهاجم نظامی، در واقع به مردم جهان نیز اعلام میکند در برابر هر دو این قطبهای تروریستی بایستند و از مبارزه مستقل مردم حمایت کنند.

در جامعه ایران سالهاست یک جنبش وسیع سرنگونی طلبانه با گرایشات عمیق چپ، انسانی و آزادیخواهانه وجود دارد که بوسیله حزب ما، حزب کمونیست کارگری ایران، نمایندگی میشود. وجود این جنبش انقلابی و حزب کمونیست کارگری بعنوان پرچمدار و سخنگوی آن در واقع نشاندهنده حضور فعال جهان متمن در عرصه سیاست ایران است. در جامعه ایران سکولاریسم و مدنیت و ایده های انسانی و چپ و آزادیخواهانه مقبولیت وسیعی دارد و این حقیقت در خیزشهای شهری و اعتصابات کارگری، در اول مه مه ها و ۱۶ آذرها و ۸ مارسها و روز جهانی دفاع از حقوق کودکان بارها خود را به نمایش گذاشته است. صحنه سیاست در ایران سالهاست عرصه تقابل مدنیت و مدرنیسم و سکولاریسم و آزادیخواهی و برابری طلبی با یکی از ارتجاعی ترین و جنایتکار ترین حکومتهای ارتجاعی سرمایه داری عصر حاضر است. و حزب ما خود هم در این نبرد فعالانه در گیر بوده و در نفوذ سیاستها و شعارهای چپ در جنبش سرنگونی طلبانه مردم نقش داشته است و هم از این جنبش اجتماعی نیرو گرفته است.

ابعاد این مبارزه از چهارچوب جامعه ایران فراتر میرود. جمهوری اسلامی تجسم و نماینده نیروهای مافوق ارتجاعی سرمایه داری معاصر در حاکمیت است و در برابر آن حزب کمونیست کارگری صف کارگران جهان، اردوی نقد سوسیالیستی سرمایه داری معاصر و به این اعتبار اردوی انسانیت و آزادیخواهی و مدنیت را نمایندگی

میکند. بنابراین روشن است که این بار برخلاف مورد عراق و یا افغانستان جبهه مردم متمن، جبهه سوم، مستقیماً در عرصه این کشمکش حضور دارد و میتواند به نحو موثری در سیر تحولات نقش بازی کند.

واقعت آنست که حل واقعی مسائلی که در کشمکش اخیر مطرح شده از مساله اتمی شدن جمهوری اسلامی تا تروریسم اسلامی و میلیتاریسم و قلدر منشی سیاسی و نظامی دولت آمریکا و متحدینش تا مساله بقا و بود و نبود جمهوری اسلامی و مساله قدرت سیاسی در ایران، همه در گرو پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است. "راه حل" های دولت آمریکا، تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی و کلاه نوع دخالتی برای شکل دادن به سرنوشت سیاسی مردم ایران از بالای سر آنان نه تنها به هیچیک از این مسائل پاسخ نمیدهد بلکه آنها را بمراتب تشدید خواهد کرد. ازینرو آنچه این بار میتواند و باید جنبش ضد جنگ مردم دنیا را از موارد گذشته قدرتمند تر، موثر تر، و تعرضی تر کند حمایت فعال از مبارزه انقلابی مردم ایران است. و جبهه سوم با اعلام طرد جمهوری اسلامی و حمایت از جنبش انقلابی در ایران در واقع راه دخالت موثر و عملی برای جلوگیری از جنگ و به عقب راندن تروریسم میلیتاریستی و تروریسم اسلامی را به مردم دنیا نشان میدهد.

محسن ابراهیمی: زمینه های سیاسی تشکیل جبهه سوم چیست؟ تشکیل جبهه سوم مشخصاً چه نقشی میتواند در تقویت و پیروزی مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی داشته باشد؟

حمید تقوایی: جبهه سوم در واقع به جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران ابعادی جهانی میدهد، و با عبارات دقیق تر، به جنبشی که از لحاظ عینی دارای ابعاد و تاثیرات مستقیم جهانی است از نظر سیاسی نیز بعدی جهانی میباشد. این خصلت جهانی جنبش انقلابی در ایران البته ربط مستقیمی با موقعیت اخیر ندارد. موقعیت کلیدی جمهوری اسلامی در جنبش

از صفحه ۲ گفتگو با حمید تقوایی

اسلام سیاسی و گسترش تروریسم اسلامی در خاورمیانه و در سراسر جهان از یکسو و از سوی دیگر استراتژی دولت آمریکا برای حل مساله قدرت سیاسی در چارچوب نظم نوین جهانی به شرایط سیاسی ایران موقعیت ویژه و منحصر بفردی بخشیده است. پیشروی جنبش انقلابی مردم در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت مردم در هردو این سطوح مساله را به نفع مردم ایران و جهان حل میکند. انقلاب ایران هم ضربه کاری به اسلام سیاسی وارد خواهد کرد و هم پاسخ روشن و قاطع و موثری به سیاستهای میلیتاریستی و دخالتهای نظامی - سیاسی آمریکا برای روی کار آوردن رژیمهای ارتجاعی دست ساز خود در کشورهای دیگر خواهد بود. مشخصا پیروزی انقلاب در ایران هم اسلام سیاسی را از خاورمیانه جمع خواهد کرد و هم طرح خاورمیانه بزرگ و صلور دموکراسی دولت آمریکا را به شکست خواهد کشاند. زمینه های تشکیل جبهه سوم این واقعیات سیاسی پایه ای است. کشمکش اخیر تنها این امکان را فراهم کرده است که این واقعیات پایه ای را در برابر انظار جهانیان قرار بدهیم و حول آن به یک حرکت سیاسی جهانی شکل بدهیم. اما در مورد نقش تشکیل جبهه سوم در تقویت مبارزات مردم ایران باید بر دو جنبه تاکید کنم. اول تاثیرات مهم و موثر حمایت مستقیم از مبارزات و خواستهای مشخص مردم در ایران است. این حمایتها همچنانکه تا کنون در موارد متعددی، مثلا در اعتراض به احکام اعدام و سنگسار و یا حمایت از مبارزات کارگری - که نمونه بارز آن حمایت جهانی از مبارزه کارگران شرکت واحد در ۱۵ فوریه بود - شاهد بوده ایم در به عقب راندن جمهوری اسلامی در برابر مبارزات مردم موثر بوده است. جبهه سوم میتواند به نحو گسترده تر و پیکرتر و سیاسی تری و با پرچم دفاع از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی این امر را به پیش ببرد.

نکته دوم مبارزه برای طرد جمهوری اسلامی و منزوی ساختن

آن در سطح جهانی است. جمهوری اسلامی مردم و جامعه ایران را نمایندگی نمیکند و به همین دلیل نباید بعنوان حکومت ایران از جانب دولتها و نهادهای بین المللی به رسمیت شناخته بشود. مردم متمدنی و آزادیخواه دنیا باید با جمهوری اسلامی همانطور رفتار کنند که با رژیم آفریقای جنوبی در مقطع انقلاب ضد آپارتاید نژادی در آن کشور برخورد کردند. جمهوری اسلامی باید مانند رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی طرد و منزوی بشود و تحقق این امر یکی از راههای موثر تقویت جنبش انقلابی مردم ایران خواهد بود.

محسن ابراهیمی: اتمی شدن جمهوری اسلامی يك نگرانی واقعی مردم ایران است. آمریکا ادعا میکند که میخواهد از اتمی شدن جمهوری اسلامی جلوگیری کند. بیانیه "جبهه سوم" اعلام میکند که مقابله با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی امر مردم آزاد جهان و بویژه مردم ایران است. لطفا در این مورد بیشتر توضیح بدهید.

حمید تقوایی: در این تردیدی نیست که یکی از اهداف آمریکا جلوگیری از اتمی شدن جمهوری اسلامی است. اما در این مورد باید بر دو نکته تاکید کرد:

نکته اول اینکه ریشه این مخالفت در تناقض منافع سیاسی آمریکا با جمهوری اسلامی نهفته است و نه نفس فاجعه آمیز بودن تجهیز دولتها به سلاحهای اتمی. عبارت دیگر مساله آمریکا نه منع سلاح اتمی برای همه دولتها بلکه ممانعت با تجهیز اتمی دولتهایی است که در کمپ دوستان آمریکا قرار نمیگیرند. اول خود آمریکا و اعضای شورای امنیت که در مقام قضاوت نشسته اند خود بزرگترین زرادخانه های اتمی را در اختیار دارند و ثانيا در منطقه خاورمیانه و در همسایگی ایران دولتهایی مثل پاکستان و هند و اسرائیل سلاحهای هسته ای دارند و هیچ بحرانی هم برای آمریکا و یا دیگر اعضای شورای امنیت ایجاد نکرده اند. این وضعیت بروشنی نشان میدهد که آمریکا و همراهانش در شورای امنیت مراجع ذیصلاحی برای منع

اتمی شدن دیگر کشورها نیستند. منظور من صرفا عدم صلاحیت حقوقی و یا طرح يك تناقض منطقی و انتزاعی نیست. بحث بر سر نتایج سیاسی و عملی این نوع موضع گیری آمریکا و هم پیمانانش بر سر مساله اتمی است. این مواضع ریاکارانه و استانداردهای دوگانه در واقع به نفع اتمی شدن دولتهای جنایتکاری نظیر جمهوری اسلامی عمل میکنند. این ریاکاری و تبعیض به جمهوری اسلامی امکان میدهد بعنوان مظلوم و قربانی ظاهر شود و سیاستهای اتمی خود را توجیه کند. امروز حتی برخی نیروهای ضد آمریکائی در سطح جهان که خود را چپ هم میدانند از حق همه دولتها برای مجهز شدن به سلاحهای اتمی صحبت میکنند! می بینید که در این مورد نیز مثل موارد دیگر میلیتاریسم غرب و اسلام سیاسی یکدیگر را تقویت میکنند و سیاستهای ارتجاعی یکدیگر را توجیه میکنند. به همین دلیل بیانیه جبهه سوم اعلام میکند که آمریکا و سایر دولتهایی که خود سلاح اتمی دارند مراجع ذیصلاحی برای قضاوت در مورد قدرت اتمی سایر دولتها نیستند. و تنها نیروی عملی میتواند با پروژه اتمی جمهوری اسلامی مقابله کند که خواهان خلع سلاح اتمی همه دولتها باشد. نکته دوم اینست که از لحاظ عملی دولت آمریکا قادر به جلوگیری از پروژه اتمی جمهوری اسلامی نیست. حمله نظامی و یا تحریم اقتصادی ممکن است بتواند برای مدتی پروژه اتمی جمهوری اسلامی را به عقب باندازد اما نمیتواند آنرا متوقف کند. برعکس سیاستهای میلیتاریستی آمریکا با تقویت سیاسی اسلام سیاسی در منطقه و قرار دادن جمهوری اسلامی در موقعیت قربانی، زمینه تشدید فعالیتهای اتمی جمهوری اسلامی را از يك موضع حق بجانب و دفاعی و مظلوم نمایانه فراهم می آورد. تنها راه عملی جلوگیری از پروژه اتمی جمهوری اسلامی اعتراض و مبارزه مردم ایران و جهان در مقابله با این سیاست و تحت پرچم خلع سلاح اتمی همه دولتها است. شکل دان و تقویت این جنبش در سطح جهانی یکی از اهداف جبهه سوم است.

محسن ابراهیمی: جبهه سوم چه فعالیتهایی را برای پیشبرد اهداف اعلام شده در بیانیه در دستور خواهد گذاشت؟

حمید تقوایی: قدم اول فراخواندن سازمانها و احزاب و شخصیتهای چپ و سکولار و آزادیخواه در يك سطح گسترده و در کشورهای مختلف به خود این جبهه است. ما تلاش خواهیم کرد از طریق ارتباط مستقیم با فعالین جنبش ضد جنگ و کمپینهای ضد جریانات اسلامی در جوامع غربی و با برگزاری سمینارها و سخنرانیها در کشورهای مختلف و حضور در میتینگها و کمپینها و آکسیونهای ضد جنگ، جبهه سوم و اهداف آنرا در سطح وسیعی معرفی کنیم و به افکار عمومی بشناسانیم. هر نیروی که به این جبهه می پیوندد طبعاً یکی از فعالیتهايش تبلیغ بیانیه جبهه و جذب نیروهای بیشتر به صفوف آن خواهد بود. شرکت این نیروها در آکسیونها و تظاهراتی ضد جنگ که بیشک با حاد شدن تنش موجود و بیشتر شدن احتمال حمله نظامی ابعاد آن گسترده تر خواهد شد، با پرچم جبهه سوم و شعارها و مطالبات آن يك جنبه دیگر فعالیتهای این جبهه خواهد بود. يك وجه مهم دیگر فعالیتهای جبهه سوم سازمان دادن و فراخواندن آکسیونهای مشخص علیه جنگ و در دفاع از مبارزات مردم ایران از جانب نیروهای عضو جبهه است. واقعیت آنست که در جنبش ضد جنگ در خارج ایران يك گرایش قوی پرو اسلامیستی وجود دارد. بسیاری از سازمانها و نیروهای چپ سنتی یا مانند جریان تروتسکيستی حزب کارگران سوسیالیست در انگلیس اسلام سیاسی را يك نیروی ضد امپریالیست و مترقی میدانند و در مقابل حمله نظامی آمریکا تماما در کنار نیروهای اسلامی قرار میگیرند و یا حتی اگر چنین موضعی نداشته باشند معتقدند در شرایطی که جمهوری اسلامی تحت حملات سیاسی و نظامی آمریکا و دولتهای غربی قرار گرفته نباید به نقد و مخالفت با اسلام سیاسی پرداخت. یکی از وظایف مهم جبهه سوم مقابله با این گرایش ضد آمریکائی - پرو اسلامیستی است. گر چه در میان صفوف مردم و در افکار عمومی این نوع مواضع فرقه

ای جای چندانى ندارد اما در میان روشنفکران و اکتیویستهای جنبش ضد جنگ، بخصوص آنان که حب نسبیست فرهنگی را قورت داده اند، چنین گرایشی قوی است و باید فعلا نه با آن مقابله کرد. يك راه عملی و موثر خنثی کردن چنین گرایشانی بلند کردن پرچم دفاع از مبارزات مردم ایران در جنبش ضد جنگ است و از این نقطه نظر نیز اهداف اعلام شده دفاع از مبارزات مردم در ایران و مبارزه برای طرد جمهوری اسلامی جایگاه مهمی در فعالیتهای جبهه سوم خواهد داشت.

محسن ابراهیمی: مخاطب بیانیه جبهه سوم مشخصا چه نیروهایی در سطح جهان است؟

حمید تقوایی: مخاطب بیانیه همه نیروهای مخالف تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی هستند. به نظر من افکار عمومی در جوامع غربی با ما است و براحتی شعارها و خواستهای جبهه سوم را می پذیرد. برای مردم عادی در کشورهای غربی که شاهد فاجعه عراق و جنایات دولت آمریکا و هم پیمانانش در این کشور و هم چنین جنایات بمبهای اسلامی در نیویورک و مادرید و لندن و بالی و بسلان بوده اند هیچ چیز مقبول تر و طبیعی تر از مقابله با هردو قطب تروریسم نیست. این آمادگی اذهان عمومی مردم جهان مهمترین نقطه قدرت جبهه سوم است. میتوان و باید با اتکا بر این زمینه مساعد به سراغ همه نیروها و شخصیتها و اکتیویستهای جنبش ضد جنگ رفت و آنانرا با خود همراه کرد. ما همه نیروهای مخالف تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی را به پیوستن به این جبهه فرا میخوانیم. به نظر من مساعد ترین و آماده ترین نیروها برای پیوستن به جبهه سوم آن شخصیتها و نهادها و نیروهائی هستند که تا کنون در کمپینهای مختلف علیه جنایات جمهوری اسلامی در ایران و بر علیه دست درازیهای اسلام سیاسی در زندگی مردم در خود جوامع غربی در کنار شخصیتها و کمپینهای حزب ما قرار گرفته اند. بعنوان نمونه در کمپین علیه قوانین علیه سنگسار و اعدام در ایران و در دیگر کشورهای اسلامزده و یا در

از صفحه ۳ گفتگو با حمید تقوایی

دفاع از حقوق زنان مهاجر از این کشورها و با کمپین علیه قتل‌های ناموسی در کشورهای اسکانندیناوی و آلمان، و یا در دفاع از آزادی بی قید و شرط بیان در برابر جنجال اسلام سیاسی بر سر مساله کاریکاتورها، ما بسیاری از شخصیتها و سازمانهای سکولار و طرفدار حقوق زن و انساندوست را در کنار خود داشتیم. ما قبل از هر چیز روی این نیروها حساب میکنیم و امیدواریم بتوانیم این نیروها را سریعاً به جبهه سوم جذب کنیم.

کمپینها و جنبشهای دیگری نیز وجود دارند که با ابتکار نیروهای مترقی و چپ و آزادیخواه سازمان یافته اند و رفقای حزبی ما و یا فعالین سازمانهای پیرامونی حزب در آنها فعال هستند. کمپین علیه فقر در انتاریو کانادا و یا "هیچکس غیر قانونی نیست" در آمریکای شکالی که اول مه با شکوه امسال را در آمریکا سازمان داد، از جمله این نیروها هستند. شخصیتها و نیروهای اکتیویست در این کمپینها نیز از جمله کاندیداهای ما برای پیوستن به جبهه سوم هستند. و بالاخره باید از بخشهای رادیکال در جنبش جهانی کارگری نام ببرم. متأسفانه از لحاظ سیاسی اکثر اتحادیه های کارگری در اروپا و آمریکای شمالی از سیاستهای احزاب بورژوازی مثل حزب کارگر انگلیس و سوسیال دموکراسی در کشورهای اسکانندیناوی و یا احزاب سوسیالیست در آلمان و فرانسه تبعیت میکنند. اما این امکان وجود دارد که در صورت گسترش مبارزات کارگری در ایران نظیر مورد اعتصاب کارگران شرکت واحد بخشها و یا اکتیویستهای رادیکال جنبش کارگری جهانی را به جبهه سوم و دفاع از مبارزات کارگران و مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و سیاستهای میلیتاریستی آمریکا جذب کرد.

محسن ابراهیمی: پیوستن این نیروها به جبهه سوم عملاً یعنی چه؟ صرف اعلام همبستگی با بیانیه جبهه سوم برای پیوستن به جبهه سوم کافی است؟ و یا پیوستن به جبهه سوم وظایف و مسئولیتهای معینی را بردوش آنها میگذارد؟

حمید تقوایی: بله صرف پذیرش بیانیه برای پیوستن به جبهه سوم کافی است. باید توجه داشت که جبهه سوم یک طرح تشکیلاتی با یک چارت سازمانی با تقسیم کار و وظایف و مسئولیتهای تعریف شده اعضا نیست. این حتی یک جبهه به مفهوم سنتی وحدت عمل و یا ائتلاف احزاب نیز نیست. جبهه سوم یک جنبش سیاسی حول یک فراخوان و بیانیه معین است. افراد و سازمانهایی که این بیانیه را می پذیرند در واقع اعلام میکنند که جزئی از این جنبش هستند و برای تحقق شعارها و اهداف آن فعالیت میکنند. این نیروها طبعاً با یکدیگر ارتباط دارند و برای برگزاری میتینگها و تظاهراتها و آکسیونهای مشترک با یکدیگر همکاری میکنند اما برای این نوع فعالیتها هم نظری سیاسی ای که در بیانیه اعلام شده کفایت میکند و نیازی به اساسنامه و آئین نامه ویژه ای نیست.

محسن ابراهیمی: جبهه سوم را حزب کمونیست کارگری ایران اعلام کرده است. با توجه به اینکه جبهه سوم یک تشکل حزبی نیست و سکولارها، آزادیخواهان، طرفداران خلع سلاح اتمی، مخالفین میلیتاریسم دولتی آمریکا، مخالفین تروریسم اسلامی، فعالین جنبش آزادی زن، مخالفین اعدام و سنگسار و قتل‌های ناموسی و مدافعین حقوق جهانشمول انسانها نیروی جبهه سوم محسوب میشوند، ضرورت اعلام جبهه سوم توسط حزب چیست؟ این سؤال از این نظر مطرح است که ممکن است عده ای این ایراد را بگیرند که صرف اعلام یک جبهه توسط یک حزب سیاسی مانع پیوستن گسترده نیروهای دیگر به جبهه سوم شود.

حمید تقوایی: به نظر من اعلام جبهه از طرف حزب نقطه قوت آنست. برای نیروها و فعالین غیر ایرانی در جنبش ضد جنگ نفس اعلام این جبهه از طرف یک حزب رادیکال کمونیستی دخیل و فعال در تحولات سیاسی ایران، یک حزب مدعی قدرت سیاسی با یک آلترناتیو روشن و اعلام شده در برابر جمهوری اسلامی، به معنی طرح یک آلترناتیو

عملی و قابل دفاع برای دخالت موثر و مقابله نتیجه بخش با جنگ تروریستها است. اعلام جبهه از جانب حزب به همه آن فعالین و نیروهای سیاسی در غرب که صرفاً مقابله با سیاستهای دولتهای خودی، یعنی میلیتاریسم آمریکا و دولتهای متحدش را، برای خود مجاز میدانند و معمولاً با شعار مبارزه با جمهوری اسلامی کار خود مردم ایران است از مقابله فعال با اسلام سیاسی طفره میروند، به همه این نیروها راه عملی و واقعی مقابله با اسلام سیاسی و حمایت از مبارزات مردم ایران را نشان میدهد. تشکیل جبهه سوم از جانب حزب به این نیروها امکان میدهد که مانند یک نیروی سیاسی جدی، و نه صرفاً یک گروه فشار و نیروی پاسیویست در برابر سیاستهای جنگی آمریکا، بمیدان بیابند و از یک موضع تعرضی و در برابر هر دو قطب این توحش ظاهر شوند.

اجازه بدهید از یک زاویه دیگر از زاویه جنبش سرنگونی در ایران، به مساله نگاه کنیم. کشمکش اخیر بین آمریکا و جمهوری اسلامی به سرعت مساله قدرت سیاسی در ایران و بود و نبود جمهوری اسلامی را به یک سؤال جهانی تبدیل میکند. نمایندگی کردن مردم ایران در پاسخ به این سؤال دیگر نمیتواند کار یک کمپین و یا فعالیت جانبی حزب باشد. اینجا دیگر مساله صرفاً مقابله با حکم اعدام و سنگسار و یا عقب نشاندن جمهوری اسلامی بر سر این یا آن مساله مشخص نیست. مساله مستقیماً سرنگون کردن جمهوری اسلامی بقدرد مردم است و جلب حمایت مردم جهان از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی تنها میتواند از جانب یک حزب مدعی قدرت سیاسی در ایران به پیش برده شود. در واقع اعلام جبهه سوم از جانب حزب به ما امکان میدهد که در بیانیه آن از عدم برسمیت شناسی جمهوری اسلامی و طرد آن از جامعه جهانی، مقابله با آلترناتیو های آمریکائی قدرت سیاسی در ایران و دفاع از حق مردم ایران برای بدست گرفتن سرنوشت سیاسی خود سخن بگوئیم و به مردم جهان برای تحقق این خواسته ها فراخوان بدهیم. میبینید که هم از زاویه مقابله فعال با سیاستهای

سخنرانی مینا احدی در دانشگاه تریر در آلمان

روز چهارشنبه ۱۰ ماه مه به دعوت دانشگاه تریر، مینا احدی در جمع تعداد زیادی از علاقمندان و دانشجویان این دانشگاه، سخنرانی کرد.

از طرف مرکز دانشجویان این دانشگاه یک پوستر بزرگ تهیه شده بود که بر روی آن نوشته شده بود، "به نام الله" خشونت بر علیه زنان در کشورهای اسلام زده، دعوت به سخنرانی مینا احدی هماهنگ کننده کمیته علیه سنگسار، این پوستر وسیعاً در سطح شهر تریر توزیع شده و در دانشگاه نیز در سطح گسترده ای پخش شده بود.

اطلاعیه این جلسه در روزنامه شهر تریر چاپ شده بود و قبل از جلسه، روز سه شنبه ۹ ماه مه، مینا احدی با رادیو شهر تریر حدود نیم ساعت گفتگویی در مورد اسلام سیاسی و موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده انجام داد.

جلسه سخنرانی ساعت ۶ بعد از ظهر روز چهارشنبه با خوشامدگویی از نفر از سازمان دهندگان کنفرانس آغاز شد و سپس مینا احدی در یک میلیتاریستی آمریکا و هم از نقطه نظر پیشبرد مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، دو روندی که در این شرایط کاملاً به هم تنیده شده اند، اعلام جبهه سوم از جانب حزب امری مطلقاً ضروری است.

محسن ابراهیمی: معیارهای پیشروی و موفقیت جبهه سوم چه ها هستند؟ در چه صورتی میتوان گفت جبهه سوم به اهداف اعلام شده اش رسیده است؟

حمید تقوایی: طبعاً متوقف کردن تهدیدات نظامی آمریکا و ختم این کشمکش به نحوی که هیچ یک از دو قطب تروریستی درگیر آن پیروز نشود و به اهداف ارتجاعی خود نرسد اولین معیار موفقیت جبهه سوم خواهد بود. اما همین سطح از موفقیت وقتی قابل حصول است که جبهه سوم بتواند اهداف اثباتی و اعلام شده خود را متحقق کند. این اهداف را میتوان بطور فشرده چنین بیان کرد: طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح جهانی از یکسو و از سوی دیگر افشا و به

سخنرانی یک ساعته در مورد انقلاب در ایران، شکست انقلاب و سرکوب جنبش انقلابی در ایران، حمله وحشیانه حکومت اسلامی علیه مردم و زنان و وجود یک جنبش قوی انقلابی بر علیه حکومت حرف زد. او در سخنرانی خود در مورد فعالیتهای کمیته علیه سنگسار، مضمون این فعالیتها، ابعاد آن و اهمیت این فعالیت حرف زد و در پایان به نقد سیاستهای دولتهای غربی و نسبیست فرهنگی و مباحثات با جریانهای اسلامی پرداخته و از جنبش برابری طلبانه در کشورهای اسلام زده و وجود یک جنبش ضد مذهبی در ایران حرف زد و از همگان دعوت کرد به این جنبش یاری رسانند.

سخنرانی مینا احدی با استقبال زیادی در بین حاضرین روبرو شده و جلسه با سوالات و بحثهای حاضرین ادامه یافت.

این کنفرانس در ساعت ۸ شب پایان یافت.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
۱۱ ماه مه ۲۰۰۶

شکست کشاندن سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا به نحوی که دیگر عملاً قلدری و تهاجم نظامی به کشورهای دیگر برای هیات حاکمه آمریکا غیر ممکن شود. برای اینکه تصویر ملموسی از این پیروزی داشته باشیم کافی است موقعیت تضعیف و افشا و بی آبرو شده دولت آمریکا بعد از جنگ ویتنام و وضعیتی که دولت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در آستانه سرنگون شدن به آن دچار شده بود را بیاد آوریم. عوامل این پیشرویها مردم متممن جهان بودند و امروز نیز در دل این کشمکش مردم جهان میتوانند این دو قطب تروریستی را تا به این حد به عقب برانند. نتیجه مستقیم و بلافصل این پیشرویها در عرصه سیاست ایران سرنگونی سریع جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم ایران است و این تحول به نوبه خود یک نقطه عطف و گام بلند و تعیین کننده در مقابله بشریت متممن با نظم نوین جهانی و نیروهای سیاه آن در یک مقیاس بین المللی خواهد بود. *

اطلاعیه تشکیل جبهه سوم در برابر دو قطب تروریستی

مبارزه علیه جنگ تروریستها قرار میگیرند.

جبهه سوم مبارزات مردم ایران علیه تهدیدات و دخالتگری نظامی و سیاسی آمریکا و جنبش انقلابی آنان برای سرنگونی جمهوری اسلامی را یک آلترناتیو و شیوه عملی، موثر و تعیین کننده مقابله با جنگ تروریستها میدانند و از جنبش مردم ایران برای آزادی و برابری فعالانه حمایت میکنند.

ما بیابانه جبهه سوم را اعلام میداریم و از همه سازمانها و نیروها و احزاب و شخصیتهای انساندوست، سکولار، ضد جنگ، و آزادیخواه جهان میخواهیم که با امضای این بیابانه به جبهه سوم بپیوندند. *

خاورمیانه ایجاد کرده است. اسلام سیاسی در کلیت خود جنبشی ضد بشری و مافوق ارتجاعی است که بر متن سیاستهای ارتجاعی دولت آمریکا و دولتهای غربی زمینه و ضرورت وجودی پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ستون فقرات اسلام سیاسی و حامی تروریسم اسلامی در خاورمیانه و در سطح جهانی و یک حکومت مافوق ارتجاعی با یک کارنامه ۲۷ ساله از سرکوب و ترور و جنایت علیه مردم ایران است. مردم ایران با مبارزه علیه این حکومت ضد انسانی و برای رسیدن به آزادی و برابری در صف مقدم

تروریسم اسلامی اجزائی از ارتجاع "نظم نوین جهانی" هستند که به یکدیگر زمینه وجودی میدهند و یکدیگر را توجیه و تقویت میکنند. شاخه ای از اسلام سیاسی امروز در عراق و افغانستان در کنار آمریکا قرار گرفته و مستقیماً بعنوان نیروئی در دولتهای فوق ارتجاعی دست ساز آمریکا و متحدینش بکار گرفته میشود، و بخش دیگر نیز که در مقابل آمریکاست هویت سیاسی و علت وجودی خود را از جنایات و مصائبی میگیرد که سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش در عراق و فلسطین و کل منطقه

انسانیت و آزادیخواهی را برافرازند. جبهه سوم جبهه نه به میلیتاریسم و نه به اسلام سیاسی است. این جبهه سکولارها، آزادیخواهان، طرفداران خلع سلاح اتمی همه کشورها، مخالفین میلیتاریسم دولتی آمریکا، مخالفین تروریسم اسلامی، فعالین جنبش آزادی زن، مخالفین اعدام و سنگسار و قتلهای ناموسی و مدافعین حقوق جهانشمول انسانها در سراسر کره ارض است. مقابله با میلیتاریسم دولتی غرب از مقابله با اسلام سیاسی جدائی ناپذیر است. میلیتاریسم دولت آمریکا و متحدینش و

حزب کمونیست کارگری ایران تشکیل جبهه سوم در برابر دو قطب تروریستی میلیتاریسم دولتی آمریکا و اسلام سیاسی را اعلام میکند. جبهه سوم جبهه بشریت متمدن در برابر جنگ و توحش است. جبهه سوم جبهه همه انسانهای آزاده ای است که از میلیتاریسم و قلدمنشی نظامی و سیاسی دولت آمریکا و متحدینش، و از تروریسم اسلامی به تنگ آمده اند و میخواهند در برابر این دو قطب تروریستی، که هر یک جنایات خود علیه بشریت را با جنایات طرف مقابل توجیه میکنند، پرچم تمدن و

بیابانه جبهه سوم

در برابر میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی

ما امضا کنندگان این بیابانه اعلام میداریم:

۱- نه به جنگ، نه به تحریم اقتصادی.

تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری خواهد داشت. آنچه در عراق اتفاق افتاد نباید در ایران تکرار شود. این تهدیدات باید فوراً متوقف شود.

۲- نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به اسلام سیاسی.

جهان متمدن در کشاکش میان تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی نمایندگی نمیشود. هر دو سوی این درگیری، ارتجاعی و ضد انسانی هستند و باید به عقب رانده شوند.

۳- خلع سلاح اتمی همه دولتها.

نه ایران، نه آمریکا، و نه هیچ کشوردیگری نباید سلاح اتمی داشته باشد. پروژه اتمی جمهوری اسلامی باید فوراً متوقف شود اما دولتهائی که خود بزرگترین زرادخانه اتمی را دارند مراجع ذیصلاحی برای قضاوت در مورد قدرت اتمی دیگر کشورها نیستند. مقابله با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی امر مردم آزاده جهان و بویژه مردم ایران

متمدن باید در مقابل هر دو قطب و مصائبی که به دنیا تحمیل کرده اند قد علم کند. راه حل انسانی و واقعی مساله سلاح های هسته ای و تروریسم اسلامی و جنایات غیرقابل توصیفش علیه مردم جهان و قلدمنشی های میلیتاریستی آمریکا و دول غربی در دست ما مردم است.

در این میان مبارزات مردم ایران برای رهایی و آزادی نقش برجسته و تعیین کننده ای ایفا میکنند. در ایران سالهاست یک جنبش اجتماعی وسیع علیه حکومت اسلامی و برای رسیدن به آزادی و برابری در جریان است. پیروزی این جنبش بر جمهوری اسلامی یک ضربه تعیین کننده به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در سراسر جهان و همچنین پاسخ موثر و تعیین کننده ای به دخالتگرهای سیاسی - نظامی آمریکا برای تغییر حکومت و با اصطلاح "صدور دموکراسی" و تحمیل حکومتهای دست ساز ارتجاعی به جوامع دیگر خواهد بود. پیروزی مردم ایران یک گام بلند بجلو و نقطه عطف مهمی در مقابله با تروریسم میلیتاریستی و اسلامی و در دفاع از آزادی و تمدن و حقوق جهانشمول همه انسانها در سراسر جهان خواهد بود.

کشمکشی که بین دول غرب و جمهوری اسلامی در جریان است میتواند از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری داشته باشد. تجربه تلخ عراق مصائب ناشی از تحریم اقتصادی و حمله نظامی را در برابر چشم همگان قرار داده است. سخت تر شدن شرایط زندگی و فلاکت اقتصادی، کشتار و خانه خرابی مردم، و گسترش سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی گوشه هائی از نتایج بلافضل تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی به ایران است. این سیاست در سطح منطقه نیز موجب افسار گسیختگی تروریسم اسلامی و در سطح بین المللی موجب گسترش ابعاد تروریسم خواهد شد.

باید با تمام قوا در مقابل قلدری آمریکا و متحدینش ایستاد، باید به جنایات قطب مقابل یعنی تروریسم اسلامی پایان داد و به مردم کشورهای اسلامزده کمک کرد تا از شر دولتها و جریانهای تروریست اسلامی رهایی یابند. میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی فضا را برای بشریت در سراسر جهان سیاه کرده اند. اینها هیچکدام راه حلی برای بحران حاضر و مسائلی که با خود مطرح کرده است ندارند، بلکه خود مسبب این بحران ها و تشدید و تعمیق آنها هستند. بشریت

اقتصادی مبارزه میکنند، خود میخوانند و میتوانند که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حمایت از مبارزات مردم ایران برای رهایی و آزادی و پیروزی آن بر جمهوری اسلامی و برقراری حکومت مستقیم خود مردم گام تعیین کننده ای در مقابله با قلدر منشی آمریکا و ضربه قاطعی به تروریسم اسلامی در منطقه خاورمیانه و در جهان خواهد بود.

۶- جمهوری اسلامی باید ز جامعه جهانی طرد شود.

جمهوری اسلامی بدلیل ۲۷ سال جنایت علیه بشریت، بدلیل سرکوب بیرحمانه مبارزات حق طلبانه مردم ایران و اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی، به دلیل حاکم کردن آپارتاید جنسی در ایران، و بدلیل حمایت از جریانهای تروریسم اسلامی در منطقه و گسترش تروریسم در سطح جهان باید مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از جامعه جهانی طرد شود. ما خواهان عدم برسیمت شناسی جمهوری اسلامی بعنوان نماینده مردم ایران، قطع روابط دیپلماتیک و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها و اخراج آن از نهادهای بین المللی هستیم.

ما همه سازمانها و نیروها و احزاب و شخصیتهای انساندوست، سکولار، ضد جنگ و آزادیخواه جهان را به امضای این بیابانه و پیوستن به جبهه سوم برای مقابله با هر دو قطب تروریستی فرامیخوانیم.

است. همانطور که خلع سلاح هسته ای همه کشورها و خلاصی از کابوس اتمی که جهان معاصر را فرا گرفته است امری است که تنها با اعتراض و مبارزه مردم جهان میتواند متحقق شود.

۴- تعرض به حقوق مدنی مردم در غرب به بهانه مقابله با تروریسم باید متوقف شود.

دولتهای غربی به بهانه خطر تروریسم و حفظ امنیت، حقوق و آزادیهای مدنی مردم را نفی و محدود میکنند. کنترل و تحت نظر قرار دادن زندگی خصوصی شهروندان، محدود کردن آزادی بیان، آزادی رفت و آمد و نفی حقوق مهاجرین از جمله رایج ترین تعرضات دولتها به زندگی مردم است. باید با این تعرض مقابله کرد و آنرا خنثی نمود. هیچ دلیل و بهانه ای برای دست درازی به حقوق و آزادیهای مردم پذیرفتنی نیست.

۵- از مبارزات مردم ایران علیه حمله نظامی و علیه جمهوری اسلامی فعالانه حمایت میکنیم.

مردم ایران که ۲۷ سال است در مقابل سرکوب، خفقان، بیحقوقی زن، آپارتاید جنسی، سنگسار، اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی و در مقابل تحمیل فقر و محرومیت

از صفحه ۱ پیامدهای بحران خاور میانه

دفاع از سیاستهای آمریکا و متحدینش است. به منظور روشن کردن پایه های این بحران و راه حل کمونیستی، لازم است اول از همین پروبلماتیکها شروع کنیم و زمینه و پایه های این بحران را یک بار دیگر بشکافیم و در اوضاع فعلی نقش و وظایف کمونیستها و پرولتاریای انقلابی را تاکید کنیم. این یک امر بدیهی است که هر جنگ و تنش در دنیا بر اساس نیاز طبقاتی طرفین جنگ چه از نظر سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی قابل توضیح است. در این نوشته سعی میکنم ابتدا از این نیازها برای طرفین جنگ و کشمکش اخیر وارد بحث بشوم و ریشه ها و ضرورتهای این کشمکش برای بورژوازی طرفین جنگ را نشان دهم.

پایه های بحران:

به دنبال پایان جنگ سرد و قطب بندی جهان و تمام شدن بلوک شرق و فرو ریختن دیوار برلین عملاً بلوک غرب هم دستخوش تحولات جدی شد. سرکردگی آمریکا زیر سوال رفت و بلوکهای سیاسی و اقتصادی دیگری در جهان از جایگاه به مراتب بیشتری برخوردار شدند. اروپا و چین و ژاپن وزنه های جدیدی هستند که آمریکا نمیتواند در عرصه اقتصادی جایگاه و وزن آنها را نادیده بگیرد. بحران اقتصادی و افول موقعیت آمریکا در مقابل رقبای خود از سالها قبل آغاز شده است. بر عکس دوران جنگ سرد این قطبهای اقتصادی از لحاظ سیاسی هم نمیتوانند مطیع و گوش به فرمان آمریکا باشند.

آمریکا تنها امکان مانوری که دارد و هنوز میتواند در رقابتهای جهانی به آن اتکا کند قدرت نظامی و تسلط بر خاور میانه و قدر قدرتی در جهان است. این دروازه ای است که آمریکا با گشودن آن میخواهد ضعف اقتصادی و افول رهبریش بر جهان را ترمیم کند. قدرت نظامی و سیاست میلیتاریستی غرب در خاور میانه علاوه بر مهار اسلام سیاسی، اهداف جهانی وسیعتری را دنبال میکند.

بنا بر این، تغییرات مورد نظر آمریکا در خاور میانه، هم اهداف منطقه ای و هم اهداف بین المللی را

دقت نظامی روسیه را. به همین دلیل کجدار و مریز در کنار آمریکا قرار میگیرد و تلاش میکند زیاده رویها و ریسک بالای جنگ قدرت آمریکا را کم کند. خاور میانه مستقیماً در خدمت رسیدن به اهداف جهانی آن است. آمریکا میخواهد با قلدری نظامی، موقعیت برتر خود در دنیا را به امری پذیرفته شده و ادامه دار تبدیل کند و مقاومت روسیه و چین در مقابل سیاستهای آمریکا از وجود چنین هدف و تضاد منافع سرچشمه میگیرد. قبلاً کم و بیش در مورد عراق و افغانستان هم شاهد این مقاومتها از طرف این دو کشور بوده ایم.

اما این بار تقابل دولت آمریکا با جمهوری اسلامی تعیین کننده تر و بسیار مهمتر از جنگ و لشکر کشی به عراق و افغانستان است. جمهوری اسلامی ستون فقرات اسلام سیاسی است. تروریسم اسلامی بدون تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی همچنان لجام گسیخته میتواند کل دنیا و بویژه منافع آمریکا و غرب را هم تهدید کند. مسئله اتمی شدن جمهوری اسلامی از این منظر برای دول غرب و آمریکا مهم است. رقابتی که این دو قطب تروریسم اسلامی و آمریکا با هم دارند میتواند با دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای، وزنه را به ضرر آمریکا سنگین تر کند. به همین دلیل آمریکا در پرتو استراتژی جهانی ای که تعقیب میکند، نمیخواهد یکی از رقبای منطقه ای که تاثیر سیاستهای آن ابعاد و جایگاه جهانی دارد به سلاح هسته ای مجهز شود.

موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک ایران بعلاوه فاکتور سلاح هسته ای در دست رژیم اسلامی و موقعیت شکننده آمریکا در عراق، در کنار رقابتهای جهانی و مشکلات و موانع اساسی تری که آمریکا با آن درگیر است میتواند از قدر قدرتی آمریکا بکاهد. این برای بورژوازی آمریکا غیر قابل قبول است. دولت و بورژوازی آمریکا نمیخواهد این افول و سقوط موقعیت خود را بپذیرد.

روسیه و چین هم در این موقعیت میخواهند وزن و جایگاه خود را هر کدام از منظر به جهان نشان دهند. اروپا در این میان نه موقعیت آمریکای روه افول را دارد و نه موقعیت برتر اقتصادی چین و

قدرت نظامی روسیه را. به همین دلیل کجدار و مریز در کنار آمریکا قرار میگیرد و تلاش میکند زیاده رویها و ریسک بالای جنگ قدرت آمریکا را کم کند.

بحران خاور میانه:

خاور میانه در دوران جنگ سرد و رقابتهای بلوک شرق و غرب میدان تقویت اسلام سیاسی از جانب آمریکا و غرب در مقابل بلوک شرق بود. سر کار آمدن جمهوری اسلامی، تقویت جریانات اسلامی در مقابل الفتح در فلسطین، تقویت جریانات اسلامی و سازمان دادن باندهای اسلامی در افغانستان در مقابله با شوروی سابق، اینها تنها نمونه هایی از نقش خود آمریکا و غرب در تقویت این جنبش ارتجاعی هستند. اما بعد از فروپاشی بلوک شرق، جریانات اسلامی ادعای سهم بیشتری در قدرت جهانی را به صحنه کشیدند. اولین مانع این بار خود آمریکا بود. آمریکا جریانات اسلامی را تا هنگامی که مطیع سیاستهایش هستند زیر پرورای خود میگیرد. اما آنجا که افسار پاره میکنند، میکوشد مهارشان کند. این سیاست آمریکا در قبال جریانات اسلامی است. بعد از تضعیف جایگاه بلوک شرق در دنیا و مخصوصاً بعد از فروپاشی آن صورت مسئله بطور کلی برای آمریکا هم تغییر کرد.

آمریکا با درست کردن طالبان و تقویت بن لادن در مقابل مجاهدین افغان از طریق پاکستان کمک کرد طالبان قدرت را در افغانستان بگیرد. اما همین جریانات دوست آمریکا در مقطعی به دشمنان آمریکا تبدیل شدند. اکنون برای تثبیت قدر قدرتی در دنیا، آمریکا باید زیاده خواهی دوستان قدیمی خود را مهار کند. جنگ آمریکا و متحدینش اکنون برای مهار کردن جنبش اسلام سیاسی و مطیع کردن آن است. در این جنگ آمریکا علاوه بر اهداف منطقه ای، اهداف بین المللی مورد نظرش را تعقیب میکند و استراتژی نظم نوین امپریالیستی را به اجرا میگذارد.

"این یک جنگ قدرت است و نه یک کشمکش بر سر اسلام، لیبرالیسم، دموکراسی غربی، آزادی، مدنیت، امنیت یا تروریسم. این نبردی است میان ابر قدرت

آمریکا با یک جنبش سیاسی مدعی قدرت در خاور میانه، با یک دامنه عمل جهانی، برای تعریف یک موازنه سیاسی و ترسیم قلمروهای نفوذ و هژمونی خویش." منصور حکمت معضل آمریکا برای قدر قدرتی در دنیا با موانع متعددی روبرو است. اما در خاور میانه که قرار است میدان این یکه تازی و قلدری آمریکا باشد با مانع جنبش اسلام سیاسی روبرو است که مدعی قدرت و منطقه نفوذ در خاور میانه است. آمریکا باید در خاور میانه این بار نه علیه شوروی بلکه علیه جنبش اسلامی و همین جریانات اسلامی مدعی قدرت و دامنه نفوذ بیشتر، قدرت خود را به نمایش بگذارد زیرا بخشی از آنها چهارچوبهای مورد نظر آمریکا را شکسته و خود را نه دوست که رقیب آمریکا قلمداد میکنند.

از این فراتر جریانات اسلامی در تقابل خود با آمریکا مرز منطقه را در نوردیدند و در خاک آمریکا با حمله به ساختمانهای دو قلو در نیویورک عملاً اعلام کردند که اگر سهم آنها در قدرت را نپذیرند جنگ را از منطقه فراتر میبرند.

این برای آمریکا و کشورهای غربی زنگ خطر جدی بود. اجماع دولتهایی که علیه طالبان و بن لادن در افغانستان در سطح بین المللی ایجاد شد، اساساً برای مهار کردن جریانات اسلام سیاسی و تضعیف این جنبش، برای به کنترل در آوردن آن و تثبیت قدر قدرتی آمریکا بود.

"آنچه در پس کشمکش با طالبان و بن لادن در افغانستان قرار است تعیین تکلیف شود، رابطه و تناسب قوای آمریکا و غرب با اسلام سیاسی است." جنگ طولانی علیه تروریسم "اسم رمز یک زور آزمایی با اسلام سیاسی است. یک جنگ قدرت که از نظر آمریکا باید برای تعریف مشخصات پابرجاتر یک نظم نوین جهانی پس از سقوط شوروی دیر یا زود انجام بشود. اسلام سیاسی، یک محصول فرعی جنگ سرد، پس از سقوط شوروی بعنوان یک کمپ بورژوازی مدعی قدرت در کشورهای خاور میانه و در محیطهای "اسلامی" در خود جوامع غربی قد علم کرده است. این جریان در بخشی از جهان و در کشورهای فوق العاده مهمی نظیر ایران و

پاکستان، یا رسماً در قدرت است و یا اهرم های سیاسی زیادی دارد. انتخاب افغانستان باخطر حضور بن لادن نیست، بر عکس انتخاب بن لادن باخطر حضورش در افغانستان است. کم نیستند از امثال بن لادن، از سران تروریسم اسلامی که علنی و مخفی در ایران، انگلستان، فرانسه، مصر، پاکستان، لبنان و فلسطین، چینی و بوسنی زندگی میکنند.

"از نظر غرب این اسلام سیاسی دیگر جریان دست نشانده و عروسکی ای نیست که قرار بود در محاصره شوروی نقش داشته باشد، جلوی قدرت چپ در انقلاب ضد سلطنتی ایران را بگیرد و برای عرفات و ناسیونالیسم عرب مزاحمت درست کند. اکنون این پدیده داعیه های بیشتری دارد. از زیر سایه غرب بیرون آمده است. در ۱۱ سپتامبر، از نظر آمریکا، اسلام سیاسی یک گام زیادی برداشت. حمله تروریستی در این ابعاد در قلب آمریکا، کلید این زور آزمایی اجتناب ناپذیر را زد. این رویدادها در اساس دقیقاً و مراحل از یک جنگ قدرت میان آمریکا و غرب با اسلام سیاسی است. از نظر آمریکا این نبردی است با دولتهای اسلامی، احزاب اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی. طالبان، ضعیف ترین و ضربه پذیرترین و پوک ترین نماد قدرت اسلام سیاسی در خاور میانه و لاجرم از نظر آمریکا مناسب ترین نقطه ورود به این جنگ قدرت همه جانبه است."

منصور حکمت دنیا پس از ۱۱ سپتامبر

جایگاه جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی مرکز قدرت و سمبل اسلام سیاسی در منطقه و جهان است. جمهوری اسلامی میدانده که در مقابل روندی که آمریکا در منطقه شروع کرده است، یا باید دست و پای خود را جمع کند و از حمایت از جریانات اسلامی بپرهیزد، یا باید تماماً وارد تنش با آمریکا شود. با کوتاه آمدن و عدم حمایت از جریانات اسلامی و کنار گذاشتن ادعای منطقه نفوذ و سهم شدن و برسمیت شناختن موقعیتش در منطقه و جایگاهش در دنیای امروز، جمهوری اسلامی فلسفه وجودی خود را زیر سوال میبرد.

از صفحه ۶ پیامدهای بحران خاورمیانه

جمهوری اسلامی برآمده از یک جنبش سیاه اسلامی است و نمیتواند به منافع جنبشش پشت کند. اگر چنین کند آن وقت دیگر جمهوری اسلامی نیست. بنا بر این جمهوری اسلامی هم با کمک جریانات اسلامی و تقویت تروریسم اسلامی و هم با تلاش برای دسترسی به سلاح اتمی فکر میکند که امکان دوام و بقای خود را تضمین میکند. و از این کانال به اهداف منطقه ای خود نیز دست پیدا میکند.

آمریکا هم میداند که جمهوری اسلامی مسلح به سلاحهای هسته ای را راحت نمیتوان مهار کرد. یکی از پایه های حمله "پیشگیرانه" آمریکا این است که به رقیب منطقه ای خود این امکان را ندهد.

مرکز جنگ قدرت تروریسم اسلامی و میلیتاریسم آمریکا قرار است این بار در ایران و بر محور دستیابی جمهوری اسلامی به سلاحهای هسته ای تعیین تکلیف بشود. پیروزی آمریکا نه تنها برتری موقعیت منطقه ای بلکه جایگاه و

موقعیت جهانی و منطقه نفوذ و هژمونی او را در دنیا تعریف میکند. جمهوری اسلامی هم کل موجودیت خود را در خطر میبیند. این فاکتورها امکان سازش را از هر دو طرف کم میکند. و به همین اعتبار بحرانی تر شدن و احتمال تحریم اقتصادی و جنگ را بیشتر میکنند. این رقابت با حمله به افغانستان وارد مرحله جنگی شده و آمریکا برای کسب موقعیت برتر به این تشنجات ادامه خواهد داد.

جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی اینرا خوب میدانند که بدون یک جمهوری اسلامی تثبیت شده موقعیت متزلزل کنونی دیگر قابل دوام نیست. آمریکا میخواهد خاور میانه جدید را بر اساس استراتژی سرکردگی آمریکا و حکومتهای مطیع خود سازمان دهد. اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی هم به دنبال تثبیت موقعیت خود و گسترش منطقه نفوذ و جایگاه خود در منطقه هستند. این تضاد منافع یک جنگ قدرت را دامن زده است که ابعاد خود جنگ منطقه ای است اما ابعاد سیاسی و تبعات جهانی دارد. اینکه اکنون ایران در مرکز این بحران قرار گرفته است دلیلش

این جدال هستند نه اصل صورت مسئله.

طبعاً صورت مسأله برای جمهوری اسلامی در قدم اول حفظ و تثبیت حاکمیت خود و ایجاد فضا و شرایطی است که جنبش اسلام سیاسی و متحدینش در منطقه سهمشان در قدرت به رسمیت شناخته شود و از این دروازه موقعیت خود و جنبش اسلام سیاسی را تثبیت کند. حمایت جمهوری اسلامی از حماس و حزب الله لبنان، سازمان دادن تروریسم اسلامی در عراق و ... برای ایجاد تعادل قوای دیگری در مقابل آمریکا و متحدینش است.

به این اعتبار هر دو طرف از موقعیت کنونی خود ناراضی هستند و هر کدام به دنبال رسیدن به اهداف مورد نظرشان وارد این جدال و کشمکش شده اند.

جمهوری اسلامی هیچوقت رژیم متعارف بورژوازی جهانی نبوده است. اما وجود و قدرتش برای بورژوازی جهانی در ابتدای دهه ۸۰ میلادی به دلایل جهانی و کشوری ضروری شد. این رژیم برای شکست دادن انقلاب سال ۷۹ میلادی مردم در ایران و ایجاد کمربند سبز به دور شوری آن زمان لازم شد. اما بعد از سقوط بلوک شرق و در هم شکستن انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران، رسالتش برای بورژوازی غرب تمام شده بود.

بنابراین آمریکا و دول غرب در اصل بر اساس نیازهای خود این جنبش ارتجاعی را تا آنجا که توانستند بر سر مردم منطقه سوار کردند. بدون کمک غرب و آمریکا جریان اسلام سیاسی نمیتوانست به چنین موقعیتی برسد. نحوه قدرت گیری طالبان، مجاهدین افغان و جمهوری اسلامی به اندازه کافی گویا هستند. اکنون هم اگر این جنبش را کمک نکنند، مردم در مدت نه چندان طولانی بساط این جریانات را جمع میکنند و ریشه آنها را میخشکانند. اما نقش میلیتاریسم آمریکا، اشغال عراق و محروم نگه داشتن مردم فلسطین و سرکوب آنها در کنار کمکهای دول غرب به بخشی از اسلام سیاسی، عملاً به گسترش نفوذ جریانات اسلامی کمک میکند زیرا اکنون آن بخشی از اسلام سیاسی و جریانات اسلامی که خود را با منافع غرب و

حاکمیت اسلام سیاسی و ستون فقرات این جنبش در ایران است.

بطور واقعی "بدون جمهوری اسلامی ایران، اسلام سیاسی در مقیاس خاورمیانه به یک جریان اپوزیسیون بی افق و بی آینده تبدیل میشود... اسلامیت ها، علییرغم فشار نظامی ای که از جانب آمریکا بر آنها وارد خواهد شد به استقبال این مواجهه خواهند رفت... برای اسلامیون نیز این یک جنگ قدرت است. نه مشقات مردم فلسطین، و نه ظلمهای تاریخی غرب به شرق، منشاء این تروریسم نیست. جریان اسلامی برای بقاء و حفظ موقعیت رو به افول خود و نهایتاً برای گسترش موقعیت خود در ساختار قدرت بورژوازی در خاورمیانه تلاش میکند."

دنیا پس از ۱۱ سپتامبر، منصور حکمت

نظم نوین جهانی، موقعیت آمریکا و جمهوری اسلامی

برای بررسی این موضوع باید روندهای پایدار تری در جنبش اسلام سیاسی و نقش و موقعیت آمریکا در منطقه و جهان را مورد بحث قرار داد. هر کدام از طرفین از امکانات و محدودیتهای خاصی برخوردارند. موقعیت و جایگاه هر کدام نه به عنوان دو دولت بلکه به عنوان نمایندگان منافع یک طبقه که هر کدام بخشی از آن را در این جدال نمایندگی میکنند، باید مد نظر باشد. جمهوری اسلامی عملاً در این جدال به عنوان نماینده و ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی دارد این جدال را پیش میبرد. "جریان اسلامی برای بقاء و حفظ موقعیت رو به افول خود و نهایتاً برای گسترش موقعیت خود در ساختار قدرت بورژوازی در خاورمیانه تلاش میکند." آمریکا هم با استراتژی نظم نوین جهانی، بورژوازی آمریکا را در تقابل منطقه ای و بین المللی نمایندگی میکند. این جنگ دو قطب تروریستی، از این منافع مادی و زمینی سر بر آورده است. برجسته شدن مسئله سلاحهای اتمی، مطرح شدن دمکراسی، "حقوق بشر"، تروریسم و ... از جانب آمریکا علیه جمهوری اسلامی جوانب و تبعات

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تملس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست چکرو 3-60 639 60
صاحب حساب
IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که بلید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

آمریکا منطبق کرده اند متحدین آمریکا هستند و در حاکمیت عراق، افغانستان و... شریک و متحد آمریکا محسوب میشوند. بخش افسار گسیخته و میلیتانت اسلام سیاسی عملاً با توجه به سیاستهای آمریکا در منطقه وجود و ضرورت خود را توجیه میکنند. آمریکا و متحدینش برای رسیدن به اهداف خود به بخش رام شده اسلام سیاسی اتکا کرده اند. به این اعتبار اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی اکنون به بخشی از سناریوی "نظم نوین جهانی" تبدیل شده است.

هر کدام از این دو قطب تروریستی اکنون وجود آن دیگری را توجیه میکنند. یکی میگوید تروریسم اسلامی نباید به سلاح اتمی مجهز شود و آن یکی میگوید اگر ما را در قدرت سهیم نکنید و موقعیت یک رقیب قدرتمند را برای ما به رسمیت نشناسید، ترور را گسترش میدهیم و برای دفاع از منافعمان به هر سلاحی دست میبریم و...

این جنگ، جنگ قدرت دو قطب تروریستی اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا و متحدینش است. مردم در آن هیچ منفعتی

ندارند. در پایان این جنگ قرار است یکی از طرفین به منظور تصاحب قدرت و جایگاه بیشتر طرف مقابل را به عقب براند و قابل تحمل کند. در این پروسه ممکن است جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت از بین برود، اما جنبش اسلام سیاسی محدود به این رژیم نیست. در این کشمکش آنچه قابل رویت است اینست که ایران میتواند به چیزی شبیه عراق امروز و یا حتی بدتر از آن بدل شود. قربانیان این جنگ قدرت، مردم و جنبشی خواهند بود که هم اکنون در ایران برای بزیر کشیدن این رژیم در تلاش هستند. هر دو طرف در حاشیه ای کردن و سرکوب این جنبش انقلابی منافع مشترکی دارند. رژیم اسلامی میخواهد با استفاده از این جنگ مخالفین خود را قلع و قمع کند. آمریکا هم میخواهد دستجات بورژوازی راست پرو غرب و اسلامیهای رام شده را در قدرت داشته باشد. در این کشمکش و جنگ، برتری هر کدام از آنها به ضرر مردم و کل جامعه است. باید در مقابل هر دو ایستاد و از جنبش انقلابی مردم ایران دفاع کرد.*

۱۰۰۰ کارگرتجهیزات کشت و صنعت کارون وارد اعتصاب شدند

در صورت عملی نشدن خواست کارگران، بقیه نیز به آنها خواهند پیوست
بنا به گزارش دریافتی از دیروز ۱۷ اردیبهشت کارگران تجهیزات کشت و صنعت کارون اعتصابی را آغاز کرده اند. خواست کارگران پرداخت فوری دستمزدهای آنهاست که از آغاز سال پرداخت نشده است. عدم پرداخت دستمزدها در حالی است که بنا به گزارش رسمی مدیریت، کارخانه از نظر سوددهی در وضعیت خوبی قرار دارد. اعتراض کارگران ادامه دارد و

کارگران اعلام کرده اند که اگر حقوقهایشان فوراً پرداخت نشود کارگران بخش تولید نیز که تعداد آنها ۱۰۰۰ نفر است به اعتصاب خواهند پیوست.
اشاره کنیم که در کشت و صنعت کارون ۱۳۰۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند و مساله دستمزدهای پرداخت نشده تمامی کارگران است و زمزمه اعتراضی جمعی شنیده میشود.

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از خواست بحق کارگران کشت و صنعت کارون، از

همه کارگران این مجتمع میخواهد که همبستگی و حمایت خود را از اعتصاب کارگران بخش تجهیزات ابراز کنند و فشار یکپارچه ای را روی کارفرما بگذارند. باید با فشار یکپارچه و متحدانه بر کارفرما و مدیریت، آنها را ناچار کرد که در راس موعد توافق شده دستمزدها را پرداخت کنند و به این قلدری و زورگویی جنایتکارانه پایان داده شود.

زنده یاد اتحاد کارگران آزادی برابری حکومت کارگری حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ - ۹ مه ۲۰۰۶

گزارشهایی از اعتراضات کارگران

و حراست بیمارستان در هماهنگی با اداره اطلاعات بهنام ادھیم را به جرم اغتشاش و برهم زدن نظم بیمارستان در اختیار تخلفات اداری تهران قرار داده و بیم اخراج میروند. علیرغم همه این مسائل محمدپور با ترس از اعتصاب پرستاران با وعده های دروغین قول رسیدگی داده است.

اعتصاب همداری پرستاران در کرمانشاه
اعتصاب معلمان کرمانشاه
اعتراض کارگران سد گیلان غرب
تجمع اعتراضی سه شرکت در عسلویه
اعتراض موفق کارگران نساجی خامنه
برای گرفتن دستمزدهای پرداخت
تجمع ۴۰۰ کارگر شرکت لاستیک البرز

اعتصاب همداری پرسنل و پرستاران کرمانشاه

بنا به گزارش رسیده به حزب کمونیست کارگری ایران روز ۱۲ اردیبهشت ۵۰ نفر از پرسنل و پرستاران اطاق عمل بیمارستان امام رضا در کرمانشاه در ادامه پیگیری خواستها و مطالبات خود به مدت یکساعت از ساعت ۸ تا ۹ صبح دست از کار کشیدند و به اعتصاب دست زدند. خواست پرستاران کاهش يك ساعت ساعت کار روزانه است. بنا به این گزارش رئیس بیمارستان چندین ماه است يك ساعت اضافه کاری را به پرسنل تحمیل نموده است و عملاً ساعت کار پرستاران و پرسنل را اضافه کرده است. پرستاران همچنین نسبت به دستمزدهای پایین خود و مشکل مسکن اعتراض دارند. موضوع دیگر اعتراض پرستاران و پرسنل پرداخت تبعیض آمیز مبلغ کارانه هاست که فقط ۲ درصد آن به پرستاران اختصاص یافته است.

معلمان کرمانشاه ۲ ساعت اعتصاب کردند
بنا به گزارش دیگری که به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است روز شنبه ۱۶ اردیبهشت معلمان بیش از ۵۰ درصد مدارس راهنمایی و دبیرستانهای کرمانشاه در اعتراض به حقوقهای پایین خود و زندگی زیر خط فقر به مدت ۲ ساعت از ۸ تا ۱۰ صبح دست به اعتصاب زده و فقط در اطاق دفتر نشستند و در سر کلاسهای درس حاضر نشدند. این اقدام معلمان کرمانشان در ادامه تجمع ۱۲ اردیبهشت آنان در مقابل اداره آموزش و پرورش کرمانشاه میباشد که علیرغم وعده آمینی رئیس آموزش و پرورش برای عملی کردن خواستهای معلمان، همچنان بی پاسخ مانده است.

کارگران سد گیلان غرب به نبردختن دستمزدها اعتراض دارند
بنا به يك گزارش دریافتی دیگر ۵۰ نفر از کارگران سد گیلان غرب دستمزدهای اسفند و فروردین و نیز عیدی آخر سال ۸۴ خود را

اطلاعیه برگزاری جلسه کمیته آلمان

روز جمعه ۵ مه ۲۰۰۶ جلسه هیئت اجرایی کمیته آلمان و شنبه ۶ مه ۲۰۰۶ جلسه کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت اکثریت اعضای آن برگزار شد. در این دو نشست خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب نیز حضور داشت.

دستور جلسه کمیته شامل بررسی فعالیتهای دور اخیر تشکیلات آلمان، تعیین رئیس اقدامات فوری تشکیلات آلمان، برگزاری کنفرانس کشوری و پلاتفرم تشکیلات برای دور آتی بود. از طرف نازنین پرومند دبیر

کمیته آلمان در ابتدا گزارشی در مورد فعالیتهای تشکیلات داده شد و سپس در مورد اقداماتی که

کمیته باید فوراً در رابطه با برگزاری جام جهانی فوتبال در آلمان و حضور احتمالی احمدی نژاد در آلمان در دستور کار خود قرار دهد بحث و گفتگو شد. جلسه همچنین به کنفرانس تشکیلات آلمان که به زودی برگزار خواهد شد و پلاتفرم و

۲۰۰ نفر هستند از سال گذشته بارها و بارها به مراجع مختلف دولتی از جمله وزیر کار و اموراجتماعی، اداره کار و امور اجتماعی شهرستان شبستر و دفتر احمدی نژاد مراجعه کرده و خواهان پرداخت طلبهایشان شدند. تحت فشار این اعتراضات، قول رسیدگی به مشکل کارگران داده شد. بدین ترتیب بعد از برگزاری جلسات متعدد از سوی مقامات دولتی به کارگران اعلام شد که به کارشان بازگردانده خواهند شد و مطالبات معوقه آنها پرداخت خواهد شد.

کارگران کارخانه نساجی خامنه ، حقوق اسفند ، فروردین و عیدی را از کارفرمای این واحد تولیدی طلب دارند. کارفرمای کارخانه با ارسال نامه ای اعلام کرده است که در یکی دو روز آینده حقوق اسفند و نیسی از

عیدی و پاداش کارگران پرداخت خواهد شد و مابقی مطالبات آنان نیز ظرف ۱۰ روز آینده پرداخت میگردد. همچنین مقرر شده است که مدیر عامل کارخانه در محل کار مستقر شود و مطالبات کارگران را به موقع پرداخت نماید.

اعتراض کارگران لاستیک البرز
امروز ۱۸ اردیبهشت ۴۰۰ کارگر شرکت لاستیک البرز در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده سال جاری خود در مقابل کارخانه تجمع کردند و تا پیوستن شیفت شب به تجمع خود ادامه دادند. کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواستشان به تجمع خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ - ۸ مه ۲۰۰۶

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk